

## چهارشنبه 13 آذر 1398 - 6 ربیع الثانی 1441 - 4 دسامبر 2019

تشکیل اولین کنفرانس اسلامی فلسطین در تهران (1369 ش)



تشکیکاً، اهلیم، کنفرانس اسلامی فلسطین، در تهران (1369 ش)، در این روز اولین کنفرانس اسلامی فلسطین با محور همبستگی جهانی با قیام انتفاضه و مقابله با ادامه مهاجرت یهودیان به فلسطین، کار خود را در تهران آغاز کرد. در این کنفرانس، مبارزان و اندیشمندان مسلمان فلسطین، ایران و برخی دیگر از کشورها حضور داشتند. مباحث اصلی مورد بررسی در این کنفرانس، شامل ابعاد و علل قیام انتفاضه مردم فلسطین، انقلاب اسلامی فلسطین و تأثیر تحولات منطقه بر فلسطین بود.

مباحث علمای ایرانی مقیم عراق به اربابان در بی‌التماتوم، روسیه به دولت اربان (1290 ش)، مجلس شورایی ملی در سال 1289 ش تصویب کرد که ایران برای اصلاح امور اقتصادی خود، مستشار مالی از آمریکا استخدام کند. در پی آن مورگان شوستر آمریکایی به مدت سه سال به عنوان خزانه‌دار؛ rlm& دارای کل کشور منصوب شد. این عمل با مخالفت شدید روسیه تزار مواجه گردید و پس از بهانه rlm& های بسیار، به ایران هشدار داد که اگر شوستر از ایران اخراج نشود، به ایران لشکرکشی خواهد کرد. هنگامی که مجلس در برابر این اولتیماتوم مقاومت کرد، دولت روس، شمال ایران را اشغال کرد و تا قزوین پیش رفت. زمانی که روحانیون ایرانی مقیم عتبات عالیات مقدسه عراق از جریان اولتیماتوم روسیه به ایران با خبر شدند، برای نجات ایران از ذلت و مبارزه با روس rlm& ها تصمیم گرفتند تحت رهبری آیت rlm& آخوند خراسانی و شیخ عبدالله مازندرانی به ایران باز گردند. ولی آیت rlm& آخوند خراسانی که قصد عزیمت به ایران را داشت، به طور کاملاً مشکوکی بر اثر یک بیماری ناگهانی وفات نمود و این حرکت، باز ماند. دولت ایران سرانجام به ناچار در برابر خشونت دولت روسیه تزاری تسلیم شد و به خدمت مستشاران آمریکایی پایان داد. تولد "اب، اباس،" مه، خ مشقه، مصی (9852)، محمد بن احمد بن ایاس معروف به ابن ایاس مکنی به ابوالبرکات است. او برای نقل اخبار، آن rlm& ها را با نثر ساده و بدان شکل که در زبان محاوره نقل می rlm& شد به رشته rlm& ی تحریر درمی rlm& آورد و قواعد دستور زبان را در آن rlm& ها رعایت نمی rlm& کرد. این شیوه، آثار ابن rlm& ایاس را از لحاظ زبان rlm& شناسی و مطالعه rlm& ی تحول زبان عربی حائز اهمیت ساخته است. مهم rlm& ترین اثر تاریخی او کتاب بدایع الزهور فی وقایع الدهور درباره rlm& ی تاریخ سرزمین مصر از روزگار کهن تا حدود سال rlm& های درگذشت مؤلف است. همچنین از شرح احوال سلاطین مصر، تاسیس و افتتاح بناها و بروز بیماری rlm& های مهلک در این کتاب، مطالب ارزشمندی به چشم می rlm& خورد.

کتشف جزیره "ماداکاسکار" در جنوب شرقی افریقا توسط مکتشفان پرتغالی (1500 م) کشور ماداکاسکار با 041/587 کیلومتر مربع مساحت، یکی از بزرگ rlm& ترین جزایر جهان است که در سواحل جنوب شرقی افریقا و در اقیانوس هند واقع شده است. این منطقه از دو هزار سال پیش مسکونی بود. ماداکاسکار در قرون اول بعد از میلاد، محل تردد برخی بازرگانان بود که شهرها و بناهایی نیز در آنجا بنا نمودند. در 4 دسامبر 1500 م پای استعمارگران پرتغالی به این منطقه باز شد. آنها به دنبال طلا، ادویه و عاج، آمده بودند اما چون از یافتن آن ناامید شدند، این جزیره را به حال خود رها کردند. در نتیجه، سایر اروپائیان، جای rlm& گزین پرتغالی rlm& ها شدند. این سرزمین به واسطه موقعیت خاص جغرافیایی خود در مجاورت سواحل شرقی افریقا، از قرن شانزدهم به بعد صحنه رقابت استعمارگران انگلیسی و پرتغالی و فرانسوی بود. در نهایت استعمارگران فرانسوی در اواخر قرن نوزدهم بر آن مسلط شدند و ماداکاسکار در سال 1885 م تحت rlm& الحمایه فرانسه و در سال 1896 م مستعمره فرانسه شناخته شد. پس از پایان جنگ جهانی دوم و در سال 1960 م فرانسه استقلال ماداکاسکار را به رسمیت شناخت. (ر.ک: 26 ژوئن)

مدک "نهمای، هاب،" فیلسوف و نظریه‌پرداز، بخته انگلیسی (1679 م) توماس هابز، فیلسوف معروف انگلیسی در پنجم آوریل 1588 م در این کشور به دنیا آمد. وی از نوجوانی به نگارش کتاب پرداخت و پس از آن برای ادامه تحصیلات خود وارد آکسفورد شد. هابز از آن پس با مطالعات فلسفی خود، از ماکیاوولی، فیلسوف ایتالیایی تأثیر پذیرفت و به نشر افکار خود پرداخت. فلسفه هابز از علاقه و رغبت او به حوادث و امور عالم سرچشمه می rlm& گرفت. وی فیلسوفی بود به حد افراط مادی. از دیدگاه او، اجتماع همانند یک ماشین است که تنها قدرت فرمان rlm& روا می rlm& تواند آن را به کار اندازد. هابز می rlm& گفت: برای فرار از نابسامانی جوامع، آدمیان دور هم جمع می rlm& شوند و جوامعی را که ترجیحاً تحت اداره یک قدرت قانونی مرکزی است، تشکیل می rlm& دهند. غرض از این اجتماع آن است که از بروز جنگ میان افراد جلوگیری شود. هابز تأکید می rlm& کند که پیمان و قراردادی که میان افراد یک جامعه بسته می rlm& شود به وسیله یک تن بهتر به اجرا در می rlm& آید. به عقیده او هر جا تفرقه قدرت هست، آشوب و اغتشاش نیز وجود دارد. بنابراین، پیمان بسته می rlm& شود که افراد جامعه از پیشوایان خود اطاعت کنند. در حقیقت، افراد به یک نوع انقیاد اختیاری برای تمام عمر گردن می rlm& نهند و این قرارداد با شمشیر به اجرا گذاشته می rlm& شود، زیرا قراردادی که زور و شمشیر از آن حمایت نکند، حرفی بیش نیست. هابز می rlm& گوید: قدرت شاه باید نامحدود باشد. وی باید همه افکار را سانسور کند. به همه ادیان نظم دهد، هر تدبیری را به دقت بسنجد و هر طغیانی را فرونشاند. باید قوانین مربوط به مالکیت را تهیه و تنظیم کند، زیرا همه املاک، در تحلیل واپسین به شاه

حمله نه‌های انگلیسی، به خارك و بمبش، در به، تصف هات ته‌سپط ابدان (1856م) هنگامی که انگلستان در سال 1856م درگیر جنگ کریمه در اروپا بود، ناصرالدین شاه قاجار، به تحریک و تشویق روس‌ها که در جنگ کریمه با انگلیسی‌ها درگیر شده بودند به هرات لشکرکشی کرد و با استفاده از گرفتاری انگلیس در جنگ کریمه، هرات را در اول نوامبر 1856م به تصرف خود در آورد. دولت انگلیس در همین روز به ایران اعلان جنگ داد. بلافاصله هشت کشتی جنگی انگلیس با تعدادی کشتی‌های بخاری و بادی به حرکت در آمده و در چهارم دسامبر همان سال، بنادر و جزایر ایران در خلیج فارس را مورد حمله قرار دادند. در نتیجه تا پایان سال، جزیره خارك و بندر بوشهر به تصرف نیروهای انگلیسی در آمد و در ژانویه سال 1857م، سربازان انگلیسی و هندی با پیشروی در داخل خاك ایران، تا ناحیه کرمان پیش رفتند. در همین احوال، قوای انگلیس در حوالی خرمشهر پیاده شدند و کشتی‌های جنگی آنان، اهواز را به تصرف خود در آوردند. ناصرالدین شاه که از عاقبت کار بیم‌ناک شده بود، با اعزام نماینده‌ای به پاریس، خواستار میانجی‌گری فرانسه در این زمینه گردید. در نتیجه قراردادی در چهارم مارس 1857م منعقد شد که به موجب آن، دولت ایران تعهد داد که در برابر خروج نیروهای انگلیس، از ایران، بی‌درنگ هرات را تخلیه و از هرگونه ادعای حاکمیت و سلطنت بر افغانستان صرف نظر نماید و ثانیاً بندرعباس و چاه بهار را در ازاء مبلغ ناچیزی اجاره، به والی مسقط در کشور عُمان واگذار کند. بند دوم، موضوعی بود که به هیچ وجه ارتباطی به اختلافات ایران و انگلیس نداشت. با این حال دولت هراسان ایران، بلافاصله این قرارداد ننگین را پذیرفت و ناصرالدین شاه بدون اخذ هیچ نتیجه‌ای، با سرافکندگی، دستور عقب‌نشینی نیروهای ایران از افغانستان را صادر کرد. از این زمان بود که ایران، به کلی از افغانستان جدا شد و افغانستان تحت الحمايه انگلستان قرار گرفت. استفاده از واکسن، حصه پای اولی، با، (1899م) در چهارم دسامبر 1899م، برای اولین بار واکسن حصه به منظور پیشگیری از این بیماری در انسان، مورد استفاده قرار گرفت. واکسن حصه، ابتدا توسط دو محقق فرانسوی کشف شد و سپس "هاوتن" پزشک انگلیسی آن را کامل نمود و سرانجام یک محقق دیگر استفاده از این واکسن را برای عموم مردم میسر ساخت.

تعلق می‌گیرد. هابز می‌گوید: خیلی آسان می‌توان مردم را معتقد ساخت که اطاعت از پادشاه، وظیفه‌ای الهی است، زیرا ذهن آدمی راغب و فریفته عقاید دینی است. می‌توان در کلیسا، خطابه‌ها و موعظه‌های خاصی، و در مدارس، درس‌های مخصوصی قرار داد و به وسیله ضرورت، اطاعت از پادشاه را در اذهان مردم فرو کرد. هم‌چنین هابز معتقد بود که زندگی افراد جامعه به تمامی در ید قدرت پادشاه است و هرگونه ابراز ناراضی از کار حاکم، حتی اگر به جا باشد، باید به سختی سرکوب شود. بدین ترتیب، چون هابز سلاطین را خداوندان روی زمین می‌دانست، به نوعی سلطنت استبدادی گرایش پیدا کرد و از خصوصیات پادشاه آن می‌دانست که احتیاجی به حفظ قول و عمل به آن ندارد. اندیشه‌های هابز را می‌توان بدین ترتیب برشمرد: حاکم، اقتدار نامحدود دارد و هرگونه نافرمانی از اتباع جامعه، غیرقابل قبول و غیرعادلانه است؛ طبیعت اصلی همه آدمیان یکسان است و همه، تبهکار و درنده خو هستند. در حکومت استبدادی مورد نظر هابز، از سازمان‌های سیاسی یا بحث‌های مشاجره‌آمیز خبری نیست و همه اقشار جامعه، به مثابه نوکران و خدمت‌گزاران شاه و عامل و مفسر نیت و اراده او هستند. پس از این مباحث، هابز فلسفه خود را اختتام می‌بخشد و اظهار امیدواری می‌کند که شاهان، حکمت وی را مدنظر قرار دهند و به استبداد بپردازند. هابز، انسان را تحت تربیت غریزه می‌دانست ولی به هنگام شکل‌گیری قدرت، وی فرد محاسبه‌گری خواهد بود که این نظر هابز مورد نقد منتقدان قرار گرفته است. هابز نظرات خود را در کتاب‌های چون علم سیاست، فلسفه درباره حکومت و قدرت یک دولت مطرح ساخته است. هابز توقع داشت که وفاداری و خدمت او را به پادشاهان، با برقراری مستمری کافی، پاداش دهند. پادشاه وقت نیز چنین کرد و یک‌صد لیره در سال برای او اختصاص داد. اما خود هابز گفته بود که پادشاه احتیاجی به حفظ قول خود ندارد، از این رو، پادشاه انگلستان نیز هرگز به قول خود عمل نکرد و مستمری هابز هرگز به او نرسید. توماس هابز سرانجام در 4 دسامبر 1679م در 91 سالگی درگذشت.